

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان

در برابر تهاجمات رژیم  
از فدائیان خلق حمایت کنید!

هم میهنان مبارز!  
سازمانهای انقلابی، ترقیخواه و میهن پرست!

رژیم شهبکار و خونریز خمینی در ادامه تلاشهای  
اخریمنی اش برای سرکوب مبارزات مردمونابودی  
سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران، از مدتی  
پیش یورشهای تازه ای را به سازمان فدائیان خلق  
ایران (اکثریت) آغاز کرده است. سپاهیان و مزدوران  
رژیم همه امکانها را خود را در تهران و شهرستانها  
بکار انداخته اند تا مگر با این تهاجم دیدرهمبران،  
کادرها و اعضا سازمان را درگیری و اسیرکنند و  
فعالیت انقلابی ما را که در سراسر کشور  
جریان دارد، متوقف نمایند. در نتیجه این تلاشهای  
فاشیستی به چندواحدسانی ما درتهران، سران  
و شهرستانها ضربه وارد شده و عده ای از کادرها و اعضا  
سازمان ما اسیرگشته اند. ساواک خمینی فدائیان  
با زداشته را به منظور کسب اطلاعات از تشکیلات  
و فعالیت سازمان زیر شکنجه شدید جسمی و روانی  
قرار داده و جان آنها در معرض خطر جدی است. رژیم  
خمینی که خمبوسی از زمینگی سازمان ما و محبوبیت  
آن در میان مردم مبارز ایران آگاه است، همچنین  
با تکیه بر شکنجه های جسمی و روانی شدید تلاش  
می کند تا شاید از میان رفقای اسیر ما کسانسی  
را در هم بشکند و بر آنها ضربه معنوی وارد آورد. رژیم  
که سوتاپا در بحران و فساد دو خون غرق شده و کوس  
رسوایی آن در هفت اقلیم جهان به صدا درآمده است  
ببخردانه گمان دارد از این تلاشهای ددمنشانم  
چیزی برای افزودن بر ضرر و به پایانش بدست می آرد!

هم میهنان آگاه و مبارز!

علیرغم سالها تهاجم خونین رژیم خمینی به  
نیروهای انقلابی و مردمی، سازمان فدائیان خلق  
ایران (اکثریت) توانست با حفظ تشکیلات و وحدت  
رژمنده صفوف خود، فعالیت انقلابی خویش را در  
بهرچتر حلقه ن قاطعانه تداوم بخشد و مستحکمترین  
سنگرانقلاب در داخل شورگرده. شعارها، اعلامیه ها  
نشریات سازمان ما، با همه تلاشهای رژیم بطسور  
مرتب در کشور پخش شده و بقاب از چهره شیرنگ با ز  
ولیدار و راجع احکام بر گرفته است. فعالیت سازمان  
یا فته فدائیان خلق در میان کارگران و دیگر  
زحمتکشان کشورمان بدون وقفه پیش رفته است و  
در اغلب اعتمایات و تظاهرات کارگران و زحمتکشان  
فدائیان حضور موثر خود را نشان داده، به همین علت  
بقیه در صفحه ۲

سوم آبان، روز همبستگی با

جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان

دولت انقلابی افغانستان روز سوم آبان ( ۲۵  
اکتبر) را روز بیسن المللی همبستگی با  
جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام کرده است.  
این روز فرصت مناسبی است تا نیروهای انقلابی  
و ترقیخواه جهان با ابراز مجدد پشتیبانی و همبستگی  
با انقلاب شور و دولت انقلابی افغانستان کسارزار  
شلیفانی گسترده ای را که امپریالیسم و راجع  
علیه دولت و مردم افغانستان ادامه می دهند، بی اثر  
سازند.

با بیای موفقیت های جمهوری دموکراتیک  
افغانستان در راه گسترش پایه اجتماعی انقلاب  
از طریق تحولات دموکراتیک و انقلابی و تحکیم  
توان دفاعی آن در برابر راجع داخلی و  
امپریالیسم، ثبات و واقع به نحو چشمگیری افزایش  
یافته است. این موفقیت ها دشمنان مردم افغانستان  
را بیشتر به خشم آورده است. سیل کتک های که از  
بقیه در صفحه ۲

سکتاریسم، بیماری ریشه دار  
سازمانهای چپ

در صفحه ۵

مذاکرات ریکیاویک، گواهی دیگر بر حقانیت سوسیالیسم

در شرایطی صورت گرفت که از طرفی راست تریسن  
مخالف امپریالیستی آمریکا همچنان با هدف کسب  
برتری نظامی برای تاحا دشواری و برهم زدن تعادل  
استراتژی جهان، برگسترش تولید و انبار سلاحهای  
هسته ای و اجرای برنامه " جنگ ستارگان " اسرار  
می ورزند و جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای  
می گشایند. از طرفی دیگر کشورهای سوسیالیستی  
با احساس مسئولیت تمام و با همه نیرو و رجحان  
تخفیف تشنج و بهبود اوضاع جهانی تلاش می کنند.  
اینگارات و پیشنها ده های مکررا تاحا دشواری برای  
کاهش و نابودی سلاح های هسته ای و کشتار جمعی  
قطع مسابقه تسلیحاتی و اینگار قطع یک جانبه  
انجام هرگونه آزمایش هسته ای از سوی آن کشور  
بیانگر اراده قاطع سوسیالیسم در پایداری از صلح  
جهانی است.

در جریان مذاکرات ریکیاویک تاحا دشواری  
پیشنها در کده کلیه تجهیزات به گانه استراتژیک  
یعنی موگ های مستقر در روی زمین و در زیر دریاییها  
و هواپیما های استراتژیک حامل سلاحهای هسته ای  
به نصف تقلیل یا بدوهمه موشکهای میان بردشوری  
و آمریکا در اروپا بکلی نابود گردد ( این پیشنها  
از آن جهت نیز هم دارای اهمیت بود که موشکهای  
بقیه در صفحه ۲

ملاقات میخائیل گارباچف دبیرکل حزب  
کمونیست اتحاد شوروی و ریگان وریگان مهمترین رویداد  
جهان در ماه گذشته بود. رویدادی که می توانست  
نقطه عطفی در مها رسابقه تسلیحاتی و برطرف  
کردن خطر جنگ هسته ای باشد.  
اتحاد شوروی با پیشنها ده های مشخص و آما دگی  
کافی وارد مذاکره شد. میخائیل گارباچف در دید و  
ورود به کشور ایسلند گفت: " من با احساس مسئولیت  
به ایسلند گام می گذارم. اتحاد شوروی آماد ه  
است راه حل های بی برای میرم ترین مسائل ملت ها  
جستجو کند و قبل از هر چیز به جستجوی راهی بی برای  
دور کردن خطر بروز جنگ هسته ای بپردازد. " در مقابل  
ریگان گفت: " تضمینی برای موفقیت گفتووها  
وجود ندارد. "

مردم جهان چشمه مذاکرات ریکیاویک دوخته  
بودند و امیدوار بودند که این مذاکرات نتایج مشخصی  
بیاورد. هر زمان با برگزاری مذاکرات، راهپیمایی  
ها و تظاهرات گوناگونی در نقاط مختلف جهان،  
علیه جنگ و برای خلع سلاح برپا گردید که شرکت  
کنندگان در آنها در قطعنامه ها و شعارهای خود  
خواستار قطع آزمایشهای اتمی و برچیدن موشکها  
و محو سلاحهای هسته ای شدند.  
دیدار سران دو کشور اتحاد شوروی و آمریکا

لایحه "جدید" قانون کار نیز ارتجاعی است

لایحه جدید قانون کار اسلامی، مصوب کمیسیون  
کار و موارداری و استخدامی مجلس، برای تصویب  
نهایی به " مجلس شورای اسلامی " ارائه شد. پس از  
شکست مفتضحانه پیش نویس توکلی، این نویسن  
لایحه ای است که طی سه سال وزارت سرحدی زاده  
تدوین شده و برای تصویب نهایی " انتشار می یابد.  
تدوین یک قانون کار مترقی و دموکراتیک، از  
آغاز بیروزی انقلاب بهمن تا کنون، عمده ترین  
مطلبه صفتی کارگران بوده است. دولت با زرگان  
سعی کرد با حفظ قانون کار زمان شاه، این مطلبه  
مبری توده ای را نادیده بگیرد. توکلی نیز مذبحانه  
کوئیدتار و روح مناسبات بدوی دوره مدرن را در قالب  
قانون کار زمان شاه بدمد. این هر دو به شکست  
انجامید. سرحدی زاده با استفاده از تجربه پیشینان  
در پیمن ماه ۶۲ لایحه ای تنظیم کرد که ملغمه ای  
بود از پیش نویس توکلی و قانون کار زمان شاه. اما  
این لایحه و نیز لایحه بعدی آن که در اردیبهشت ۱۳۶۴  
انتشار یافت، هیچکدام مورد قبول کارگران واقع  
نشد.

اکنون ۱۶ ماه پس از تعلیق آخرین لایحه قانون  
کار " لایحه جدید " با برخی اصلاحات بازنویسی  
شده و انتشار یافته است. مقایسه سه لایحه دوره  
وزارت سرحدی زاده نشان می دهد که چگونه رژیم  
بعد از پس گرفتن پیش نویس قرون وسطایی توکلی  
و در برابر مقاومت کارگران ناگزیر به عقب نشینی -  
هایی شده است. مهمترین این موارد عبارتند از:

پیم به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر  
در صفحه ۳

بپذیرش اصل عامه شمول بودن قانون کار، افزایش  
مرخصی ها و کاهش ساعات کار ( نسبت به لایحه ۶۴ )،  
تعیین سن ۱۵ سالگی بعنوان سن حداقل کار و  
تعطیلی رسمی روز اول ماه مه.  
اما آنچه که در همه این لوایح ثابت  
مانده و در لایحه جدید نیز بی نظیر بازی خود را نشان  
می دهد، نقض اساسی ترین حقوق صفتی کارگران  
یعنی حق کار و امنیت شغلی، حق شکل و حق اعتصاب  
است. با توجه به اینکه تغییرات وارده در لایحه  
جدید نسبت به لایحه سال ۶۴ محدود است، لیسذا  
می توان گفت که بخش اعظم مواردی را که در  
محور، در افشای لایحه سال ۶۴ در ۱۷ و ۱۹  
نوشتم، در مورد لایحه جدید نیز صادق است. لایحه  
جدید قانون کار در برابر با حق امنیت شغلی و مساله  
اخراج تصریح کرده است که اخراج کارگر توسط  
کارفرما تنها پس از اعلام نظر مثبت شورای اسلامی  
بقیه در صفحه ۱۱

هشدار نسبت به خطر یک کشتار بزرگ

کمیته مرکزی سازمان در رابطه با تدارک حمله  
گسترده رژیم جنگ افروز خمینی نامه ای با عنوان  
" هشدار نسبت به خطر یک کشتار بزرگ " برای  
سازمانهای بین المللی و رهبران کشورهای زبیر  
ارسال داشت. خا و بر پرز دو کوشیا ر دبیرکل سازمان  
مل متحد، را برت موگا به رییس جنبش غیرمتحد ها  
اطل شد و ندرا رییس شورای جهانی صلح، میخائیل  
گارباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، فیدل  
کاسترو دبیرکل حزب کمونیست کوبا، راجیو گاندی  
نخست وزیر هند، حافظ اسد رییس جمهور سوریه،  
شاذلی بن جدید رییس جمهور لجزا یر. در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از قتل عام جدید جلوگیری کنیم!

در صفحه ۲

- ★ درباره تهیه و ارسال گزارش، خبر و اطلاعات ..... در صفحه ۱۰
- ★ فاتیسم هیتلری سرمشی برای رژیم خمینی ... در صفحه آخر
- ★ انجمن های اسلامی محکوم به انحلال اند .... در صفحه ۱۱
- ★ ما زانمی توان به زانو درآورد! ..... در صفحه ۹
- ★ "ضو زندانیان" عوامفریبی تازه رژیم ..... در صفحه ۴

- دو این شماره
- ★ اکتبر، چرخش بنیادین تاریخ ..... در صفحه آخر
- ★ حکایت "تغییر الگوی مصرف" ..... در صفحه ۸
- ★ حزب دموکرات کردستان ایران:
- ★ ۴۳ های مثبت در راه اتحاد ..... در صفحه ۴

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### از قتل عام جدید جلوگیری کنیم!

مردم مبارز ایران!

رژیم در تدارک فاجعه عظیمی است. قتل عام جدیدی در راه است. در آرزو هستیم سال جنگ خمینی نقشه هولناکی برای جوانان شما کشیده است. او حمله بزرگی را تدارک دیده است. اگر این حمله آغاز شود، سیل خون جاری خواهد شد و دهها هزار انسان بدگرطمه جنون خمینی خونخوار خواهد شد.

به فرمان خمینی جیره خواران رژیم به جوانان مردم افتاده اند. کارگران، کارمندان، پیشه‌وران را به زور به جبهه‌ها می‌برند. گزیده‌های رژیم شهرها را ترقی می‌کنند، گلوگای‌ها آن را می‌بندند، خیا با نیا و کوچ‌ها را زیر پای می‌گذارند، در محله‌ها، سینماها، پارکها و هر کجا که ممکن شود کمین می‌کنند، تا جوانان بیزار از جنگ را روانه جبهه‌ها بیاورند. کمیندگان، زاندار میا و کمیته‌ها، روستاها را در شومنی شکار جوانان زیر پای می‌گذارند. وضع دانشجویان دانش‌آموزان از این هم بدتر است. وزیر خمینی وعده داده است که سال ۵۰ هزار دانش‌آموز را به قتلگاه روانه‌کنند.

کارگران آگاه ایران!

طبقه کارگران ایران هیچ وقت مثل امروز تحت فشار نبوده است. رژیم کارگران را بر سر دوراهی مرگ قرار داده است. یا جبهه، یا بیگاری و گرسنگی، بر اثر جنگ کارخانه‌ها تعطیل و کارگران گرسره گره اخراج می‌شوند. به جای راه انداختن صنایع همه ارزگشور خارج خریدار سلحه و ادویه جنگ می‌کنند. راه نجات کارگران از وضع دشوار کنونی مبارزه یکپارچه علیه جنگ و رژیم خمینی است. در این مبارزه کارگران تنها نیستند. جزمیننی و ایادی او، جزمینی تاجرو سرمایه‌داران را تکرار، همه جوانان قطع جنگ هستند. حتی صدام به صلح تمس داده است. تا جنگ ادامه دارد، اخراج گروهی و کاهش دستمزدها متوقف نمی‌شود. راه توقف سیل

درواژانهاجات رژیم...

قطع فعالیت سازمان ما به یکی از آماج‌های عمده رژیم در راستای تلاش آن برای سرکوب و نابودی مجموع جنبش انقلابی و مردمی ایران تبدیل‌شده است.

دشمنی رژیم خمینی با فدائیان خلق از دشمنی کین توڑانه آن با کارگران و زحمتکشان و با همسره خواستای و آرزوهای برجق شما سرچشمه گرفته است. این رژیم می‌خواهد اعتراض و مبارزه علیه جنگ و بی‌انگاری علیه اختناق و سرکوبی علیه بیگاری و گرانسی علیه ستم و بهره‌کشی را خاموش سازد. می‌خواهد شما را که دلیران و قهرمانان رژیم ستمشاه می‌باشید را سرنگون گردید به رژیم ستم آخوندی تسلیم کند، اما خمینی و رژیم او هم مثل شاه و رژیمش این آرزو را بیگور می‌برند.

هم‌میهنان مبارز!  
رفقای ندائی!

فدائیان خلق فرزندان رزمنده مردم مبارز کشور خویش اند و پیشاپیش کارگران، زحمتکشان و همه مردم طمع دوست و ترقیخواه ایران تا آخرین نفس و تا نابودی کامل رژیم بهره‌کشی و ستمشاه شریک نخواهند کرد. فدائیان خلق شکست‌ناپذیرند، چرا که کارگران و زحمتکشان شکست‌ناپذیرند، فدائیان خلق به قدرت حماسی مردم بی‌خاسته و به سنت‌های حماسی خویش در برابر ستم‌ناپذیر با دشمنان خلق مجهزند. فدائیان خلق با تکیه بر این سنت‌ها و در برابر تروریسم و عشق و ایمان به آزادی و پیروزی مردم، در برابر تهاجمات رژیم ارتجاع هرچه استوارتر می‌ایستند و این تلاش‌های دردمشانه و محکوم به شکست را با شدیدی‌کار انقلابی در راه صلح و دموکراسی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت انقلابی خلق پاسخ می‌گویند.

برای درهم شکستن تلاشهای سرکوبگرانه رژیم علیه توده‌های خلق سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه، برای تامین صلح و آزادی و سرنگونی ارتجاع متحدشوم،  
زنده باد صلح، زنده باد آزادی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار بادا کمیته انقلابی خلق  
کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۵ مهر ۱۳۶۵

اخراج می‌کند، در محلات مطلقاً شرکت نکنید. اعلامیه، بیستم و ششماه‌های صلح فدائیان خلق را در سراسر جبهه‌ها و در پادگانها پخش کنید. با هر وسیله و بپایه‌تکمی می‌توانید جبهه را ترک کنید.

نیروهای انقلابی و مترقی ایران!  
مردم ایران یکپارچه خواهان صلح هستند. اگر ما می‌توانستیم برای قطع جنگ متحمل کنیم و مردم را با شتام قواعلیه رژیم بسیج‌نما بیسم، چشم‌انداز صلح اینچنین تیره نبود و خمینی هرگز نمی‌توانست اینچنین جنگ را ادامه دهد. گلینند صلح در اتحاد خلق ما است.

سازمان ما همه سازمانهای مترقی ایران را به همکاری و اتحاد عمل در راه صلح، در راه اهداف مشترک و سرنگونی رژیم فرا می‌خواند. مبارزه مشترک ما در راه بسیج خلق علیه جنگ و رژیم، بسیج افکار عمومی جهانی علیه جنگ طلبی خمینی، علیه صدور اسلحه و کالاهای مورد نیاز جبهه، ادامه جنگ توسط رژیم را با دشواریهای جدیدتری روبرو و می‌سازد. به فراخوان ما برای همکاری مسئولانسه پاسخ دهید!

مردم مبارز ایران!  
ایضا به بسیج همگانی جدید با همه راه‌ها بعد از جنایتی که در پیش است، آگاه کند. سران رژیم تبلیغ می‌کنند که این حمله، آخرین حمله آنهاست به عراق است. اما جنگ راه حل نظامی ندارد و خمینی هم صلح نمی‌خواهد. وعده‌های گریلا و قسد سر را با دروغ‌هایی نفرت‌انگیز و تهاجمات زکا را نه‌اند. هشیار باشید! جلوی حمله تازه را بگیرد. از قتل عام جدید جلوگیری کنید.

زنده باد صلح - مرگ بر خمینی جنگ افروز سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
مهرماه ۱۳۶۵

مذاکرات ریگیا و یک...

فراسه و انگلیس متعلق به تا تو را شامل نمی‌شد) همچنین از سوی اتحاد شوروی پیشنهاد کردید که موثقیای دارای شعاع عمل کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر متعلق به بیما را روشن نمید کردند و اتحاد شوروی فقط ۱۰۰ کلکتر روی موثقیای خود در آسیا داشته باشد و ایالت متحده آمریکا هم دارای همسین شداد دلاکاه در خاک خود با شادوا لآخره پیشنهاد دادند که طرفین بپذیرند که طی ده سال آینده از "حقوق خروج از قرارداد" استفاده نکنند و در این مدت که تقطیل زرادخانه‌های دو طرف ادامه دارد، همه سلاح فضاپی ممنوع گردند و پوششها در عرض آزمايشگاه محدود بمانند.

ارکشن‌های اولیه ریگان در مذاکرات "ریگیا و یک" در برابر پیشنهادها و رایبه شده توسط میخائیل گابریل منفی نبود. طرفین در آغاز مذاکرات به سه سرری توافق‌های قابل توجه نیز دست یافتند، ولی مذاکرات با سرریا بیت قرارداد دفاع خدموشکسی ومنع آزمايش سلاح فضاپی به بن بست رسید. ریگان اصرار داشت که حتی آزمايش درچا رچوب "برنا مسه دفاع استراتژیک" محفوظ بماند و نه تنها درآزمایشگاه بلکه در خارج از آن منجمله در فضای کیهان نیز آزاد مجاز باشد.

بدین ترتیب مذاکرات "ریگیا و یک" با وجود توافق‌های اولیه، عملاً توسط ریگان به بن بست کشانده شد.  
ریگان با ردیگر به خواست میلیاردها انسان مبینی بر رفع خطر جنگ هولناک هسته‌ای و قطع مسابقه تسلیحاتی پاسخ منفی داد اما هیت ارتجاعی و جنگ افروزانه دولت آمریکا را به نمایش گذاشت. مذاکرات با ردیگر بر این نکته صحه گذاشت که سیاست‌گذاران اصلی که ضعیف یعنی مجتمعات بزرگ صنعتی - نظامی بهیچ چیز جز کسب سود بیشتر نمی‌اندیشند. موجودیت این مجتمع‌ها در گرو تولید هر چه بیشتر مسابقه تسلیحاتی و انجام پروژه‌های

دهه‌ها میلیاردری تسلیحاتی است.  
دولت ریگان که در مدد دست‌یابی به برتری استراتژیک بر کشورهای سوسیالیستی است، تصور آنرا دارنده کودتای اتحاد شوروی با کاهش یکجا نیسه سلاحهای خود موافقت کرده و از تجهیز کشور به سلاحهای جدید خودداری خواهد کرد. رویا اینکه با گسترش مسابقه تسلیحاتی و اختصاص بودجه‌گزار برای تسلیحات نظامی از لحاظ اقتصادی نتوان فرسوده خواهد شد. این تصورات تنها می‌تواند منجر به گسترش هر چه بیشتر مسابقه تسلیحاتی و افزایش خطر جنگ هسته‌ای شود.  
بررسی اولیه انعکاس مذاکرات "ریگیا و یک"

کنید. در محلات مطلقاً شرکت نکنید. اعلامیه، بیستم و ششماه‌های صلح فدائیان خلق را در سراسر جبهه‌ها و در پادگانها پخش کنید. با هر وسیله و بپایه‌تکمی می‌توانید جبهه را ترک کنید.

نیروهای انقلابی و مترقی ایران!  
مردم ایران یکپارچه خواهان صلح هستند. اگر ما می‌توانستیم برای قطع جنگ متحمل کنیم و مردم را با شتام قواعلیه رژیم بسیج‌نما بیسم، چشم‌انداز صلح اینچنین تیره نبود و خمینی هرگز نمی‌توانست اینچنین جنگ را ادامه دهد. گلینند صلح در اتحاد خلق ما است.

سازمان ما همه سازمانهای مترقی ایران را به همکاری و اتحاد عمل در راه صلح، در راه اهداف مشترک و سرنگونی رژیم فرا می‌خواند. مبارزه مشترک ما در راه بسیج خلق علیه جنگ و رژیم، بسیج افکار عمومی جهانی علیه جنگ طلبی خمینی، علیه صدور اسلحه و کالاهای مورد نیاز جبهه، ادامه جنگ توسط رژیم را با دشواریهای جدیدتری روبرو و می‌سازد. به فراخوان ما برای همکاری مسئولانسه پاسخ دهید!

مردم مبارز ایران!  
ایضا به بسیج همگانی جدید با همه راه‌ها بعد از جنایتی که در پیش است، آگاه کند. سران رژیم تبلیغ می‌کنند که این حمله، آخرین حمله آنهاست به عراق است. اما جنگ راه حل نظامی ندارد و خمینی هم صلح نمی‌خواهد. وعده‌های گریلا و قسد سر را با دروغ‌هایی نفرت‌انگیز و تهاجمات زکا را نه‌اند. هشیار باشید! جلوی حمله تازه را بگیرد. از قتل عام جدید جلوگیری کنید.

زنده باد صلح - مرگ بر خمینی جنگ افروز سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
مهرماه ۱۳۶۵

ونتایج آن در سطح جهان نشان می‌دهد که مواضع و پیششاه‌های سازنده و عملی اتحاد شوروی مورد حمایت جهانیان است. در حالی که موضع دولت آمریکا در این مذاکرات با موج مخالفت جهانیان روبرو شد. این مخالفت‌ها موجب شد که دولت ریگان بلافاصله به تبلیغ گسوده علیه اتحاد شوروی دست زده و نمایندگان خود را به کشورهای مختلف جهان جهت توجیه موضع خود در "مذاکرات" ریگیا و یک" بفرستد.

علیرغم اینکه در "ریگیا و یک" یک شانس بزرگ تاریخی از دست رفت ولی امید به توافق هنوز از بین نرفته است. مذاکرات بین‌المللی یک گام جدید و اقدامی سودمندانگانه تا ناته‌ای فراهم آورده و راه را برای گسترش مبارزه‌ای بخاطر صلح و صلح هموار کرده است. لازم و ضروری است از همه مکان‌ها بدست آمده برای عقب‌نشاندن محافل جنگ افروز امپریالیسم و برپا کردن صلح جهانی بی‌بهره است. واقعیت این است که علیرغم کارشناسی‌ها و تبلیغات امپریالیسم، مذاکرات "ریگیا و یک" در پیشگاه بشریت صلح دوست‌دلیل دیگری بسیاری اثبات صلح دوستی و حقانیت کشورهای سوسیالیستی بوده است. بدون شک تعرض نیروهای صلح‌تداوم و گسترش می‌تواند امیدمان نورهای عوام‌مفریانسه امپریالیسم را با زخم‌شک و تنگ ترمی کرده، بازی با صلح جهانی، بازی با سرنوشته بشریت است و ادامه چنین بازی اهریمنی برای جنگ افروزان امپریالیست هر روز دشوارتر می‌شود. ❁

**قانون کار باید منافع حقوق کارگران باشد**  
کارگران مبارز!  
لائحه جدید قانون کار لایحه‌ای است ارتجاعی و چون:  
- حق ایجاد تشکل‌های صنفی مستقل، در دسترس صلح لایحه با بطلان شده،  
- حق کار و امنیت صنفی کارگران در مواد ۲۴ و ۲۵ نقض شده،  
- حق اعتصاب و هرگونه اعتراض حق طلبانه از کارگران سلب شده است.  
بنابراین لایحه جدید قانون کار، برای تامین حق امنیت صنفی، حق ایجاد تشکل‌های مستقل و حق اعتصاب، مبارزه کنید.  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)







ما رکیستی - لنینیستی - عدم تاملین رهبری طبقه کارگر در جنبه، الزاماً به معنی "دنبال هروی" و "نفی خط منی مستقل" است؟ چرا باید در تشکیلات جبهه تاملین هزونی پرولتاریا را پیش شرط گذاشت؟ در واقع دیدگاه ما اینست که گروهها اجازت نمی دهند که آنها مفهوم وحدت اراده نیروهای اجتماعی گوناگون در مرحله کنونی را که پیرامون برنامها و اهداف مشخص قادر به شکل گیری است درک کنند. آنها از امر اتحاد، رهبری یا دنباله هروی را می فهمند، اما می بایستی از ابتداء رهبری طبقه کارگر تا منتهای آن با سوسیالیسم - لنینیسم - عدم تاملین هزونی در جبهه شرکت کرد، با سوسیالیسم - لنینیسم - عدم تاملین هزونی در جبهه شرکت کرد، با سوسیالیسم - لنینیسم - عدم تاملین هزونی در جبهه شرکت کرد، با سوسیالیسم - لنینیسم - عدم تاملین هزونی در جبهه شرکت کرد.

یکدیگر را تحمل می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

طبعاً کمونیست ها می گویند اما رکتا عمل را در امر اتحادها و تشکیل جبهه در دست بگیرند. و دیگر نیروها را حول برنامها خود گردانند. زمانی که طبقه کارگر از تشکیلات و آگاهی برخوردار است، و بین طبقه کارگر و پروتاریا هیچگونه جدایی وجود ندارد، در آن صورت شرایط مساعدی برای تاملین هزونی پرولتاریا در جبهه وجود دارد. ولی موقتی که طبقه کارگر در جدایی خصوصی است، نمی بایست دست روی گذاشت. امر اتحادها و شرکت در جبهه در صورتی که بنحواً صولی صورت گیرد، در خدمت ارتقا سطح تشکیلات و آگاهی و رمزندگی طبقه کارگر و جلب توده های غیر پرولتاریه سوی اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی است و به این ترتیب مستقیماً مبارزه ای در راه تاملین هزونی پرولتاریا است. اگر به هزونی با درک لنینی بگیریم، جذب و سمت دادن اورتیه پرولتاریا انقلابی در میان زحمتکشان (و.ا.لینین مجموعه آثار جلد ۳۹ - ص ۴۵۸) در این صورت یکی از راههای مؤثر و درجذبت و سمت دادن زحمتکشان، شرکت در جبهه و پیشبرد امر اتحادها و طبقاتی است. زحمتکشان در روند مبارزه برحقانیت خط منی و شعارهای طبقه کارگر برحقانیت، بیگیری و فداکاری آن بی برده و اورتیه آنرا پذیرا خواهند شد.

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

گروه های چپ با تاملین هزونی با تاملین هزونی و اتحادها و جنبه های بسته و پراکنده ای که کمونیست ها از آن سود می بردند، اندک بطولان می کشند. اگر این گروهها تجارت احزاب کمونیست را مطالعه می کردند هرگز به این تملین هزونی "بدیع" نمی رسیدند. تجربه کمینترن و احزاب کمونیست در دوره قبل از جنگ جهانی دوم و تجارت اخیراکی از آن است که آنان به اشکال و صورت مختلف بدون اینکه تاملین هزونی پرولتاریا را پیش شرط قرار دهند و در اتحادها دیگر نیروهای اجتماعی شده و به سود اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر از آن بهره گرفته اند. رهنمود کمینترن به حزب کمونیست چین جهت اتحاد با کومین تانگ در دهه سی نمونه بارز این امر است. در آن موقع کومین تانگ از نیروی قابل ملاحظه ای برخوردار بود ولی کمونیست های چین هنوز ضعیف بودند.

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

این گروهها از شرکت در جبهه و اهمه دار توده و اهمه خود را بعنوان خطر دنباله هروی مطرح می سازند. اگرچه در اتحادها با سایر نیروها همواره خطر را دست آورده اند. در هفتصد کنگره کمینترن بدرستی تاکید شده است: "هنگام کار است گسترده تا کتیک جبهه واحد، خطر است افزایش خواهد یافت" (استاد کنگره هفتم کمینترن) ولی نباید در هر اس از چنین خطاهایی، اجتناب از اتحادها و ضرورت نتیجه گرفت.

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

لنینی می گفت: "تنها کسانی از اختلافها و اتحادهای موقت، ولو عناصری نامطمئن می ترسند که خود به خویشتن اطمینان ندارند، هیچ حزب سیاسی بدون این اتحادها نخواهد توانست به موجودیت خود ادامه دهد" (چه باید کرد؟ جلد ۱ از سری دوازده جلدی - ص ۱۱۶). گروه های چپ با طرح "دنباله هروی" و "نفی خط منی مستقل" و شروط تشکیل جبهه به تاملین هزونی پرولتاریا، در عمل طبقه کارگر از اتحادها با سایر نیروها محروم می کنند. چنین خطایی با منزوی ساختن نیروها و پیشاهنگ طبقه کارگر، به جای مسدود کردن مجاری نفوذ اندیشه های بورژوازی و خرده بورژوازی، زمینه هزونی نیروهای غیر پرولتاریا را در جنبه انقلابی خلق، در جبهه تقویت می کند.

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

به اعتقاد ما نباید بطرح خطر "دنباله هروی" از اتحادهای طبقاتی و سیاسی روی برگرداند. با دنباله آگاهی بر این امر، با اتحاد سیاستهای درست و سنجیده و با تکلیف بر سر منافع طبقه کارگر و رکیستی سیاست اتحاد دوما رزه به معنای بله با خطرات منتج از لغزشها برخاست و این اتحادها را در خدمت تاملین هزونی طبقه کارگر در انقلاب ملی - دموکراتیک قرار داد.

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

ما معتقد نیستیم که در اتحادها با سایر نیروهای اجتماعی باید بدون قید و شرط عمل کرد. ولی تئوری های ساختگی که از جانب این گروهها عرضه می شود چیزی جز ردی قید و شرط اتحادها و ضرورت نیست. معیار ما در تعیین شروط در اتحادها و سازشها تابع این وظیفه است: "حاکم در آن است که بتواند این تاکتیک (منظور آنرا کتیک اتحادها و سازش است) را در جهت تفریع و نه تنزل سطح عمومی آگاهی پرولتاریا، و روحیه انقلابی، و آگاهی پرولتاریا برای مبارزه و برای پیروزی بکار گرفت" (و.ا.لنینین بیاماری کودکی "چپگرای" در کونفرانس) با طبع جبهه پر بار به برنامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می گیرد، تشکیل می شود. ما بر این باوریم که در اتحادها و سازشها جبهه پیشینیا دگر در راه قبول آن از جانب سایر نیروها، مبارزه خواهیم کرد. تلاش ما این خواهد بود که به قول ما جبهه را تا سطح برنامها و ارتقا بخشیم. پس از تشکیل جبهه نیز از استقلال سازمانی، ایدئولوژیک - سیاسی سازمان و آزادی تبلیغ، سیاستها و برنامها میمان تا به آخر خراستخواهیم گردیم. در راه سوسیالیسم نیز لفظها و متوقفات نخواهد شد. ما بر این اعتقادیم که: هیچ کمونیستی... هرگز وقتی یک لحظه به جنبه های پرولتاریا در اتحادها و سازشها با سایر نیروها در راه سوسیالیسم بر ضد مکررات ترین و مکررترین بورژوازی و خرده بورژوازی از یاد نبرد. در این سالها چون و چسرا نیست. از اینجا نتیجه می شود که باید محتماً بدون چون و چرا حزبی جداگانه و مستقل و دارای جنبه های طبقاتی باشد. (و.ا.لنینین، دولت کتیک) سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.

همکاری و اتحاد دنیروهای چپ و حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر بخورد سکتا ریستی گروه های چپ را در امر اتحادها بطور برجسته می توان در همکاری و اتحاد دمل نیروهای چپ مشاهده کرد. همکاری و اشتراک مساعی نیروهای چپ در مبارزه علیه رژیم و امچ های مشترک و نیز با هدف دستیابی به وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر، مستلزم اتحاد سیاستهای مسئولانه و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک با هدف زدودن انحرافات راست و چپ" است. ولی در شرایط کنونی در بین این گروهها حتی دوجریان هم نمی توان یافت که بسا

در این رابطه می توان به برخورد انواع نگرش راه کارگر و اقلیت و در درجه بعدی به منضمین پیرو بیانی ۱۶ آذر اشاره نمود. اقلیت نمونه بارز جریانی است که موجودیت خود را در گروهها و دیگرا می بیند و لذا بخش قابل توجهی از نیروی خود را در خارج کشور متمرکز و صرف درگیری با مظاهر فریب زدن به دیگر نیروهای سیاسی می کند. حربه اصلی این گروه برای نابودی "اپورتونیزم" چوب و چماق است. اقلیت نه تنها به هم همکاری و اتحاد نمی اندیشد، بلکه از موضع ما و راهی چپ، حتی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی سایر نیروهای چپ علیه رژیم خمینی را تحمل نمی کند. این گروه حتی چشم دیدن راه کارگر را ندارد.



درهم می ریزد. موضع نیرویی می توانند در مرحله انقلاب دموکراتیک مترنسی با شدولی در مرحله انقلاب سوسیالیستی ارتجاعی. لنین در برخورد با چنین مدعیانی می گوید:

"یکی از اعترافات که بر ضد شعار "دیکتا توری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا" و دهقانان " می شود، این است که این دیکتا توری لازم اش "اراده واحد" است. در حالی که پرولتاریا نمی تواند نسبتاً خرد به بورژوازی اراده واحد داشته باشد. این اعتراضی بی پایه است زیرا بنا بر آن بر تفسیر مجرد و "متافیزیکی" مفهوم "اراده واحد" گذارده شده است. اراده ممکن است در موردی واحد باشد و در مورد دیگر واحد نباشد. فقدان وحدت در مسایل سوسیالیسم و در مبارزه برای سوسیالیسم مانع وحدت اراده در مسایل دموکراتیک و مبارزه در راه جمهوری نمی گردد. فراموش کردن این موضوع به معنای فراموش کردن فرقی منطقی و تاریخی میان انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی است. فراموش کردن این موضوع یعنی فراموش نمودن جنبه همگانی انقلاب دموکراتیک. زیرا وقتی این انقلاب "همگانی" بود در این صورت در همان حدودی که این انقلاب حوایج و تقاضاهای همگانی را برآورده می نماید در همان حدود در آن وحدت اراده وجود دارد. در خارج از حدود دموکراتیک است. وحدت اراده بین پرولتاریا و بورژوازی دهقانی جای سخنی هم نمی تواند باشد. مبارزه طبقاتی بین آنها امری است ناگزیر، ولی در زمینه جمهوری دموکراتیک این مبارزه عمیق ترین و وسیع ترین مبارزه مردم در راه سوسیالیسم خواهد بود." (و.ا. لنین - دوکتا کتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک. تاکیدات از ماست)

لنین با خرد بورژوازی و مراعات دو "وحدت اراده" با آن برخورد مشخص می کند. علیرغم ذهن گرای راه کارگر جهت عمده مبارزه خرد بورژوازی علیه سرمایه بزرگ و میریالیسم، مترقی و همسویا منافع طبقه کارگر است و لنین آن به سوی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک دقیقاً حاشا همین استراتژی است. راه کارگر تنها زمانی خرد بورژوازی را مترقی می داند که جنبه خرد بورژوازی خود را از دست بدهد و از موضع پرولتاریا به مبارزه بروی بیاید. در حاله، دهقانان بصراحت می گویند:

"دهقانان می توانستند بر قدر کارگران و پرولتاریا با آن انقلاب دموکراتیک باشند. بدون اینکه این موضوع آنها را سوسیالیست بکند و بدون اینکه جنبه خرد بورژوازی خود را از دست بدهند." (دوکتا کتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)

این شیوه برخورد سکتاریستی، پرولتاریای ایران را از متحد خود یعنی دهقانان خرد بورژوازی شهری در مرحله کنونی انقلاب محروم می کند. این دیدگاه طبقه کارگر منزوی می سازد و راه را بر خلاف سیاست طراحان آن، برای بدست گرفتن رهبری انقلاب توسط پرولتاریا دموکراتیک باز می کند. این نگرش صرف نظر از شعارهای آتشین، در برابر مبارزاتی رهبری پرولتاریا را دوستی تقسیم دیگر نیروها می کند چرا که اتحاد کارگران و دهقانان را به ضرر منوی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک است.

دیدگاه های سکتاریستی تنها به موضوعات ذکر شده منتهی نمی شود. این انحراف در عرصه هویتی پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، در کم بها دادن یا نفی شعارهای تاکتیکی و روز، مبارزات صنفی و سندیکا بی و در زمینه انترناسیونالیسم پرولتاری و غیره نیز مشاهده می شود که در جای خود باید به آن پرداخت.



در گزارش هیات سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان در فروردین ماه بدرستی تاکید گردید:

"سازمان ما برای وحدت جنبش کمونیستی در وحدت بخشیدن به طبقه کارگر و جنبش خلق اهمیت و نقش درجه اول قابل است. اتحاد طبقه کارگر و مبارزان راه و آرمان آن، در قریا هم آوردن شرایط ذهنی ضروری برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران شرط اساسی است. بدون مبارزه در راه وحدت پیشا هنگ طبقه کارگر در یک سازمان واحد، صحبت کردن از مبارزه در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک و ملی ایران بی معنا است. و "در سورا این وحدت هر چند منافع متعددی وجود دارد، ولی سازمان مصمم است که بر موانع غلبه کند و خواهی هرگز (نشریه کار - شماره ۲۹).

نشریه کار در راستای تأمین این هدف تلاش خواهد کرد که مبارزه بیدولویزیک پیگیری و سالم و زنده ای را علیه انحرافات راست و چپ" در جنبش جنب ایران پیش ببرد. بویژه در این راستا است که زدودن انحراف سکتاریسم و دگما تیسیم از جنبش چپ و دموکراتیک کشور به یک وظیفه مبرم و جدی مبدل شده است. همگاری و اتحاد عمل می تواند در اینجا فضای سالم برای پیشبرد مبارزه بیدولویزیک و به ثمر رسیدن آن مشروط واقع شود. تفرقه و پراکنندگی به تشدید خصومت و به زرفرفتن نیروها کمک می کند و راه استقبال از اتحادهای اصولی و تمحیح دیدگاه های انحرافی را نیز می بندد.

**قانون کار باید با مشارکت کارگران تدوین شود**  
کارگران پیشرو آگاه!

لاچاره رتجاعی قانون کار را افشا کنید. خواه با تدوین یک قانون کار مترقی را برای کارگران توضیح دهید. مبارزه کارگران را برای تدوین یک قانون کار مترقی بر مبنای شرایط زیر، سازمان دهید:

- ۱ - قانون کار را باید مشارکت کارگران تدوین شود.
- ۲ - قانون کار را باید بر اساس اعلامیه جهانی حقوق اتحادیه های کارگری و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار نوشته شود.
- ۳ - قانون کار را باید شامل تمامی مزد و حقوق بگیران شاغل در واحدهای دولتی، متاعنی و خصوصی کشور باشد.
- ۴ - قانون کار را باید ضمانت اجرایی داشته باشد و کلیه متخلفین از آن باید تعقیب و مجازات شوند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

راه کارگر باید انقلاب دموکراتیک را به خرد بورژوازی طریق که توده دهقان را بخود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلقه را جبراً منکوب و تا پیگیری بورژوازی را فلج سازد. پرولتاریا باید انقلاب سوسیالیستی را به انجام رساند بدین طریق که توده عناصر نیمه پرولتاریای اهالی را بخود ملحق کند تا بتواند نیروی مقاومت بورژوازی را درهم شکند و تا پیگیری دهقانان و خرد بورژوازی را فلج سازد" (دوکتا کتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)

در حالی که راه کارگر موضع اقسار و طبقات مختلف از جمله خرد بورژوازی را مشخص و روشن نمی کند و این از سرکردگی و ابها موا غشای بی برمی خیزد که بر افکار راه کارگر در باره مرحله و خلعت انقلاب ایران سایه انداخته است. راه کارگر همین نمی کند که جامعه ما نیاز منتهی به تحولی است. دموکراتیک یا سوسیالیستی؟ اگرچه بین این دو مرحله انقلاب، دیوار وجود دارد، ولی با لایحه و تقاضای "منطقی و تاریخی" بین آنها وجود دارد. راه کارگر می بیند که در مرحله اول انقلاب ایران را با مفهوم میبیم که می آید اردوید و روشن و گویا ارائه نمی دهد. راه کارگر از یک سو با هر چه از رده های انقلاب ایران از دیدگاه ما سوسیالیستی نیست، ولی از سوی دیگر با این نحوه نگرش به خرد بورژوازی و طرح "دولت سرمایه شکن" عملاً به انقلاب سوسیالیستی می رسد.

راه کارگر می گوید: "خرد بورژوازی می تواند برای حفظ وضع موجود خویش مبارزه کند و البته مبارزه هم می کند چرا که وضعیت موجود خرد بورژوازی در شما از سوی بورژوازی مودرتیها هم قهر می گیرد (راه کارگر تئوریک - شماره ۳ - ص ۲۵۰). اما راه کارگر از این حکم درست استنتاج زیر - می کند و می نویسد: "مبارزه خرد بورژوازی از موضع منافع مستقل و آنی خویش مبارزه را ترجیح می است." (راه کارگر تئوریک - شماره ۴ - صفحه ۲۵۰)

بدینگونه راه کارگر دوگانگی خرد بورژوازی را در مبارزه با طرفین منافع خویش کاملاً نفی می کند در عمل خود را درین بست می گذارد. استنتاج راه کارگر در شرایط مشخص کنونی جامعه و انقلاب ما درست است. این دیدگاه به نفع طبقه کارگر در جنبش انقلابی خلق انجا میدهد و بیروزی سوسیالیسم را به تدریج می اندازد.

نشریه کار در شماره ۳۲، در مقاله "مرحله انقلاب و نیروهای محرک انقلاب"، خرد بورژوازی را در شمار متحدین طبقه کارگر محسوب داشته، بدرستی می نویسد:

"و طبقه پیشا هنگ طبقه کارگر ایران این است که با نقوذ بیدولویزیک - سیاسی بورژوازی در میان این اقسار و طبقات با قاطعیت مبارزه کند و با انتقاد از تدریجها و پیشا و ویریا پیشان آنها را به سوی اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی خود جلب کند. این اقسار و طبقات، فاقد استقلال هستند و سسته باینکه بکدام سمت رو آورند - به سوی بورژوازی یا به سوی طبقه کارگر، به سوی آینده یا به سوی گذشته - نقش و عملکرد متفاد، ارتجاعی یا انقلابی دموکراتیک ایفا می نمایند. تجربه تاریخی از جمله تجربه انقلابی بهمین می آموزد که به خلعت دوگانه این اقسار و طبقات با بدتوجه و دقت اکید مبدول گردد، لیکن ما نمی توانیم و نباید از آنجا طریبریم که آنها بمثابة توده، آماج بهره کشی و غارت و دشمنی لگا کمبخته امیریالیسم و طبقات ارتجاعی کشورند."

راه کارگر در برخورد با خرد بورژوازی همان شیوه ای را در پیش می گیرد که در تحلیل بیدیده ها دیگر مشاهده می شود. یعنی برخوردی است، کلی، دگما تیک و تئوری - تاریخی. راه کارگر پیشا و ویریا پیشا بدین معنی کند و تنها در عالم تجربه تا سیر می کند. او به جای اینکه به تحلیل مشخصی از اتحادهای عینی جامعه ما بپردازد، یک سلسله احکام کلی را بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص، ردیف کرده و وجای با سخ مسایل می نشاند. این شیوه برخورد در دردتا و من منجر به آن می شود که مبدول و از جمله خرد بورژوازی در هر مرحله که کنونی انقلاب

در کشور ما ارتجاعی تلقی شود. در حالی که مبارزه خرد بورژوازی علیه امیریالیسم، علیه استبداد، علیه کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان همسویا با مبارزه پرولتاریا در مرحله کنونی است. منافع عینی پرولتاریا در مرحله انقلاب دموکراتیک با منافع عینی دهقانان و خرد بورژوازی شهری انطباق دارد و بیچنین جهت خرد بورژوازی در "مسایل دموکراتیک" دارای وحدت اراده با طبقه کارگر است و خرد بورژوازی در شمار متحدین پرولتاریا در انقلاب ضد امیریالیستی و دموکراتیک محسوب می گردد. از سوی دیگر این حاوی اهمیت اساسی است که خلعت دوگانه خرد بورژوازی مورد تاکید قرار گیرد. به علاوه کمیونیت همسویا با بیدهمسویا و از جمله امیریالیسم در مرحله انقلاب لحظه ای هم در مبارزه در راه سوسیالیسم با زنا متیستند.

کمیونیت ها:

"همواره کارگران را متحاً بزخوا هندنمود، همواره جنبه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهند داد، همواره مجاز بودن طبقاتی پرولتاریا را که فردا ممکن است درجهبه مخالف متفقین امروز خود قرار گیرد خا طر نشان خواهند کرد" (و.ا. لنین - وظایف سوسیالیست دموکراتیکهای روس)

راه کارگر معیار مترقی و ارتجاعی بودن خرد بورژوازی را در اشتغال با عدم اشتغال آن با پرولتاریا می داند. با این دیدگاه تمام نیروها، سازمانها و جنبشهای خرد بورژوازی، که در مبارزه علیه امیریالیسم و ارتجاعی با حزب کمیونیت در اشتغال قرار دارند، مواز جمله آن دسته از حکومت های که در آنها نمایندگان خرد بورژوازی تسلط دارند، صرف نظر از سطح رشد جامعه و آرایش نیروهای طبقاتی نیز و مسایرتجاعی می هستند. راه کارگر با این شیوه برخورد عملاً تقاضای "منطقی و تاریخی" انقلاب دموکراتیک سوسیالیستی را





### ما را نمی توان به زانو درآورد! گزارشی از زندان

آیندگان سرگذشت زندانیان زندانهای جمهوری اسلامی را بیشتر به یکی از شومترین و دردناک ترین طولهای حکومت ملایان جناحیتکار، بغاخر خواهند آورد. آنها در عین حال سرگذشت سمیل های درخشان قهرمانی و مقاومت در برابر جلادان خمینی را برای هم تحریف خواهند کرد. این قهرمانان با نشان دادن استقلال متنی بی نظیر در برابر بردن خمیان و بی انگیخته در زیر شکنجه های حیوانی آنان تسلیم شونده، پایداری می کنند و زندان را به یکی از دژهای مساومت و مقاومت مایه در برابر رژیم سفاک خمینی بسط می سازند. فدائیان خلق در صفوف مقدم این نبرد، سیمی بزرگ برعجه دارند.

گزارشی که از زندان شهیدهای ماریسیده، گوشه ای از این حماسه مقاومت و مبارزه را بازگو می کند.

\*\*\*

### بازجویی

کسی را که دستگیر میشود، به واحد اطلاعات سپاه می برند که مرکز بازجویی در مشهد است. در ابتدا او را زیر شکنجه بدترین شکنجه ها می کنند و قرار ارتباطات شکنجایی می خواهند. فشار در نخستین روزهای دستگیری، فوق العاده است؛ زیرا بازجویی دانند که با گذشت زمان، بسیاری از اطلاعات زندانیان می سوزد، اما پس از این دوره، بازهم بازجویی ادامه دارد. اما مکاران شکنجه گران خمینی دوره "تخلیه اطلاعاتی" نام نهاده اند.

شکجه گران از انواع وسایل برای درهم شکستن انقلابی دستگیر شده استفاده می کنند. پس از بازجویی مقدماشی که شامل مشخصات فرداست و وقتی کسی به اصطلاح خوشان "با آنها راه نمی آید" روانه اتاق تشریح می کنند. تشریحها تا ترجمه فقط هفتی شکنجه است. تشریح با چشم بسته و دستهای دستبند زده انجام می شود. کا بل زدن به کف پا، رایج ترین شیوه شکنجه آنهاست. البته از شیوه های "بازی فوتبال"، آویزان کردن، دستبند زدن، کلاخیز و سایر "ابزار شکنجه" هم توسط برادران در این مراسم استفاده می شود. در تمام این مراحل باید نکشید - ترین فحش ها، توهین ها، و گاه باخس سروده های انقلابی با ریتم آبی نواختن شلی در جریان است. ساواک خمینی تلاش جدی دارد که در بدو ورود به زندان، فرد را در فضای قرار دهنده دچار ناامیدی شود. از اینرو چنان سیما و واژگونهای زندانیان نشان می دهد که گویی همه بریده اند و هیچکس از بازی مقاومت در برابر آنها نیست. در حالی که ایمن تنویرکا ملا خشکی برای درهم شکستن روحیه زندانیان است. مثلا ممکن است فرد را به طولانی بفرستند که شما "توابین" در آن هستند و در اتاق بازجویی همراه با کسانی بازجویی کنند که ضعف نشان داده اند. حتی ممکن است در مواردی بازجویی توسط "توابین" انجام شود.

### زندان و کییل آباد

تعدادی بین هزار تا هزار و دویست نفر در زندان مشهد هستند. زندان شامل ۴ بند جداگانه ۳۰ سلول انفرادی، یک سالن اجتماعات، سالن ملاقات و بخش اداری است. اداره زندان در دست اداری انقلاب اسلامی است. مسئولین آن حزب اللهی و بسیجی های هستند که سابقا معمار، بنا، بازاری یا از تشریح بریرها در مشهد اطراف آن بوده اند. نام مستعار همه آنها "اسدالله" است و به لحاظ اداری به عضویت پلیس قضاوی درآمده اند.

### زندانیان

از نظر رژیم، در میان زندانیان ۳ خط وجود دارد:

الف. بوزیسیون: تمامی کسانی که برواخص سازمان خود استوارا می ستانند و نمود مخالفت خود را با رژیم نشان داده اند، در این بخش جاسای می گردند. عنا سورنشان این خط، اغلب در سلول های انفرادی یا بند نظر تینه نگهداری می شوند. در برخی موارد توابین برای ایجا درگیری بر خورده، جاسوسی و آزار به میان آنها فرستاده می شوند.

ب. خط زندگی: این اصطلاح را زندانیان نشان به کسانی می گویند که نسبت به گارسای سپاه اعتبار شده اند. ضمن اینکه جمهوری اسلامی را قبول ندارند، هیچ ایده سیاسی دیگری راه نمی پذیرند و سد می گویند که باید مل مردم عادی زندگی کرد و کاری به کار دیگران نداشت. آنها منتظرند که حکومتشان با این با بدو آزاد شوند. مسئولین زندان معتقدند که عده ای از نیروهای شناخته شده انقلابی، خود را در پشت این خط پنهان کرده اند و برای کشف این افراد به هر کاری دست می زنند.

ج. توابین: اینها مجموعه ای متناقض از اناسانی هستند که زیر فشارهای حیوانی رژیم دردم شکسته و فروریخته اند و بعضا به منقلب پلیسیدی نیز در غلغله اند. گروه زیادی از آنها کسانی هستند که تحمل زندان را ندارند و به اصطلاح بریده اند. در نتیجه برای عفو، خود را تواب نشان می دهند، اکثریت این دسته پس از آزادی به دنبال زندگیشان می روند. دسته دیگر کسانی هستند که به شرف خود را صرف بجا آوردن نمازهای ترک شده، نماز شب، ادعیه و اواد و مواضع کتب فقهی می کنند، اینها سعی دارند که در همین چارچوب تواب باشند، تنها

تعداد اندکی زتوابین با تمام وجود در اختیار رژیمند و روح و جسم خود را به شیطان فروخته اند. از این موجودات مسخ شده که به حیوانات ضد بشر تبدیل شده اند برای شکنجه، بازجویی، تعقیب و مراقبت، جاسوسی و امور "ارتدادی" استفاده می شود.

### زندانیان زنان

حدود ۲۵۰ نفر از زندانیان زنان وکیل آباد زن هستند که حدود ۴۰٪ از آنها پدر، برادر یا همسرشان هم زندانی است. بسیاری از آنها به سختی شکنجه شده اند، صدمات روحی جدی دیده اند. گاه ها به بیما ریهی یا داروهای مبتلا گردیده اند. تعداد دشمنی در مرحله بازجویی مورد استفاده اوباشان قرار گرفته اند که با نام "اسدالله" حق هرگونه تعرض به حریم انانیت را داشته اند. نمونه های وجود دارند که با سداران با وحشیگری خارج تصور، به زندانیان زن در حضور برزبان بازداشتگاهی تجاوز کرده اند. مسئولان رژیم، ناقص العقلی خود را به زنان منتسب می کنند و معتقدند که عنساد آنها با جمهوری اسلامی بیشتر از سرچ عقلی و احساسات است تا منطق. چهل کودک شیرخواره تا ۴ ساله هم در این بند هستند که مادرانشان آنها را در زندان به دنیا آورده اند. اکثر این بچه ها دارای روحیاتی نامتعادل و غیر طبیعی هستند. خورد کردن اسباب، حمله ناگهانی به اطرافیان، خود آزاری و دیگر آزاری، نمودهای از رشد غیر طبیعی آنها در محیط غیر طبیعی است. امکانات برای تغذیه و بهداشت این غنچه های شوکت در زندانهای خمینی فوق العاده محدود است.

### ادامه شکنجه در زندان

رژیم برای زیر فشار گذاشتن زندانیان، با این هدف از مواضع انقلابی خود دست بردارند، آنها را بمباران سیاسی - ایدئولوژیک می کند. زندانیان ۲ ساعت در روز مجبورند در کلاسهای بی شرکت کنند که توسط توابین اداره می شوند. موضوعاتی متضاد اقتصاد و فلسفه اسلامی، مواضع کورجیهای سیاسی، و مباحثی در دربار رژیم در آنها "موزش" داده می شود. کلاسهای دیگری هم از طریق ویدئو برگزار می شود که سران و ایدئولوگ های جمهوری اسلامی در آن سخنرانی می کنند. کلاسهای حضوری هم هست که اجباری است و مدرسین آن از حوزه علمیه مشهد و اجماع های اسلامی دانشگاه هستند. غیر از اینها بازهم هسته های مطالعاتی اجباری است که توسط توابین اداره می شود توسط مسئول "موزش" زندان کنترل می گردد. از تمامی این موارد هر چند وقت یک بار امتحان می گیرند و مسابقیه آموزشی برگزار می کنند. در مراسم و مناسک مذهبی و مناسبت های مورد توجه جمهوری اسلامی می فعالیت های فسوق برنام توابین در جریان است. تمام این فشارها برای آن است که اولاً زندانی فرمت اندیشیدن نداشته باشد، ثانیاً رفته رفته ششوی مغزی شود.

طریقه دیگر فشار، گزارش دهی مداوم "آنتن" - ها است. معمولا در هر اتاق ۲ نفر تواب حضور دارند که یکی از آنها مسئول گزارش شما می حرکات انجام زندانی است و نفر دیگر اولی را کنترل می کنند. آنها موظفند که اطلاعات زندانیان را در مورد آنها تکمیل کنند. ولی گاهی اوقات در جاسوسی چنان زیاده روی می کنند که صدای مسئولین هم در می آید و آنچه از ذهن علیل آنها بیرون می چید، گاه از زور غم انگیزی سربه کسدی می زند. مثلا گزارش کرده اند که فلانی به دفعات زیاد به توالی می رود لذا می خواد "خطی" را انا عهده دهد. آن دیگری گه سنگی را در غذا پیدا کرده، هدفش انا عه "خط" مقابله با رژیم بوده است. مورد زادی ای تجدید محاکمات انتقال به انفرادی و حتی اعدا پرندان بدن بدل این گزارش ها صورت گرفته است.

وضع خوشنکاه بهداشت، درمان و تغذیه در زندان فشار مریزایی را بر زندانیان وارد می آورد. بسیاری از زندانیان به بیماریهای جدی عصبی گرفتارند. این بیماریها اکثریاً در دوره بازجویی پدیدار شده و به دلیل از هم پاشیدن زندگی و صاصسی افراد خانواده، بوجود آمده است. دلشخ عصبی حالات روانی و حتی تقاضای دارو در گذر هم به گسان مسئولین، نوعی "خط" در رژیم است. امراض پوستی بدلیل محدودیت استحمام دو سبیل بهداشتی طریز جدی شایع است. با این وجود تلاش زندانیان برای نظافت و حفظ بهداشت با امکانات حداقل همگوتای مضحک و لوجوا نه، "خط" عنا دبا جمهوری اسلامی تلقی می شود. کیفیت غذا فوق العاده پایین و بشقداران هم کم است. اغلب اوقات انواع و اقسام حرکات جانوران را هم در آن می توان کشف کرد. شنبه یا سید در اتاقی خوابیده دوبرا بر طرفیتش در آن زندانی گنجا خیده اند.

ناگفته نگذاریم که مسئولین زندان هر چند وقت یکبار بر برای ایجا در عیب و وحشت به تشریح گروهی از زندانیان به بهانه های مختلف می پردازند. پشتوانه فکری فشارهای واکه به زندانی وار د

## درباره تهیه و ارسال گزارش، خبر و اطلاعات

و عناصرو موثر و محلی آن را شناخت تا با اتخاذ تدابیر ضروری فدا شدن در راه میسر شود. در صورتی که دشمن در راه فعالیت انقلابیون میگذرد ممنوع است. هرگز ارشگر و خبرنگار فعال ما با ارسال گزارش خود در در زمین فوق می تواند آگاهی دستگاه رهبری سازمان را غنی سازد. باید متذکر شد که رعایت برخی نکات و رفق برخی نواقص در مورد شکل و محتسوا ی گزارشات - هر چند کم اهمیت بنظر رسد - کاملاً ضروری است و رعایت این نکات مستقیماً در چگونگی استفاده از آنها و نتیجه کار تا شبر میگذارد و عدم رعایت آنها در برخی موارد خبر را کاملاً بیاهمیت میکند. برخی نکات که باید در نظر گرفته شود بشرح زیر است:

### منبع گزارش

یکی از رایج ترین نقایب گزارشات ارسال شده، بیکی مشخص بودن منبع گزارش است. این مسئله روی چگونگی استفاده از گزارش تا شبر مستقیم دارد. مثلاً گزارش بدست ما میرسد، رویداد واقع و یا موضوع مورد گزارش از حساسیت و اهمیت جدی برخوردار است لیکن منبع آن گزارش مشخص نیست و بهیچ طریقی نمی توان از او درباره گزارش مربوط تحقیق کرد، بهیچ وجه نمی توان به او بیضا می رساند. در نتیجه ارزش و اعتبار گزارش، علیرغم اهمیت و حساسیت موضوع آن فوق العاده پایین می آید و در بسیاری از مواقع بی ثمر می شود. هرگز گزارش باید با مشخصات و بلائح معینی که توسط گزارشگر تعیین و بطور مستمر بکار گرفته می شود همراه باشد. رعایت این مورد برای همه گزارش دهندگان اعم از آنها تکلیف است. رابطه سازمانی ندارد و آنها نیز باید دقیقاً در رابطه مستمر سازمانی قرار دارند بدون استثناء ضروری است. بدین ترتیب امر تا شبر می گیری، ارسال پیام، ارائه رهنمود ضروری و غیره از طریق ارگانهای سازمانی با سهولت و سرعت بیشتر و با کمترین خطر عملیاتی میگردند. ضرورت است در اینجا تاکید کنیم که آندسته از گزارش دهندگانی که با سازمان رابطه ندارند - بگونه شکی بطرف مقصدی با حفظ و رعایت دقیق مسایل امنیتی، اطلاعاتی (مانند کدگذاری) از خود به سازمان بدهند تا بتوان با آنها تماس برقرار کرد.

### تاریخ گزارش

برخی از گزارشات فاقد تاریخ تنظیم گزارش است. در برخی دیگر، تاریخ وقوع رویدادها مشخص نیست و یا تاریخ تنظیم گزارش، در مواردی مشخص نیست کدام تاریخ مربوط به این یا آن تاریخ است. رفقاً باید تاریخها را به تفکیک قید کنند. البته ممکن است هر دو تاریخ یکی باشند ولی در هر صورت قید آن ها ضروری است.

### تداوم گزارش

عدم پیگیری و تداوم کار گزارش دهی یکی از نواقص جدی گزارشگر است. گاهی مشاهده میشود که فاصله دو گزارش را به ماهها میرسد. پیگیری در امور گزارشگر برای تمرین آگاهی و بهبودی سازمان نسبت به امور سیاسی و اجتماعی و غیره اهمیت جدی دارد. تداوم کار موجب شناخت بهتر از نواقص و نارساییها و پیگیری منطقی و صحیح تر و روندها و رویدادها میگردد.

### صحت و سقم گزارش

هرگز ارشگر نباید میزان درستی گزارش خود را قید کند، با بدین تلاش خود برای تشخیص صحت و میزان موثوق بودن گزارش را منعکس نماید و نوع رابطه گزارشگر و موضوع مورد گزارش را ذکر کند. آیا این رابطه مستقیم است یا غیر مستقیم؟ گزارشگر با چند واسطه به موضوع گزارش دست یافته است و ...

### تعیین نوع استفاده از گزارش

در هر گزارش، گزارشگر باید نحوه، نوع، شکل

با تلاش و فداکاری همه جانبه کارها، اعضا و هواداران سازمان، اسناد، گزارشات و اطلاعات مختلفی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... کشور در اختیار رهبری سازمان قرار میگیرد. علیرغم اختناق موجود و شرایط کنترول شدید تبلیغی و عملی میزان و حجم اطلاعات و گزارشات افزوده میشود. این گزارشها کیفیت و کمیت کار و توان سازمان را در مقابل با دشمن افزایش میدهد و ما را در امر تبلیغ سیاسی و انتشاری همه جانبه جنایات و سیاستها و مبارزات رهبری جمهوری اسلامی یاری میرساند.

در زمینه چگونگی تهیه گزارشات سیاسی، اجتماعی، اطلاعاتی و غیره گرچه پیشرفتهای جدی بعمل آمده و گزارشات دقیق تر و متنوع تر شده است اما هنوز کمی دوام دارد. انتخاب نوع و کیفیت و اهمیت و درجه و نوع آنها وجود دارد. با بررسی و شناخت ضعفهای موجود و رفع آنها میتوان با یک کیفیت کار گزارشگر را بیشتر از پیش ارتقا داد. در این راستا کلیه گزارشگران، چه اعضاء و چه رفقای هوادار و همزمان دوستان سازمان باید مواظب و دقیقاً از این موارد توجه فرمایند:

- ۱- در شرایط با حضور و خفا حاکم بر کشور ارسال اخبار و اطلاعات بدستگاه رهبری سازمان از اهمیت اساسی برخوردار است. بسیاری از رویدادهای سیاسی و اجتماعی در مطبوعات رژیم منعکس نمیشوند. اخبار مربوط به اعتراضات، مبارزات محدود و یا گسترده کارگران، کارمندان دانش آموزان و معلمان و دیگر اقشار مردم نیاز سوی رژیم کمترین می شود و با بصورت مخفی شده، به اختصار و آمیخته به دروغ و تحریف انتشار می یابند. رژیم نه تنها هیچ اطلاع رسمی و موثق از اخبار مربوط به مبارزات و مقاومت های دهقانان در برابر بزرگ مالکان و ارگان های سرکوبگر رژیم، درباره زندان و جنایات فاشیستی علیه زندانیان سیاسی و اعدای مخفی و شکنجه های وحشیانه انقلابیون، از مبارزات زنان آزاده و فدایان جنگ و کشتار گروهی جوانان در جبهه ها و غیره منتشر نمی کند، بلکه برعکس دستگاه اطلاعاتی و تبلیغاتی رژیم تمام امکانات و توسل به دروغ و تحریف حقایق، زودهای مردم را از کسب اطلاع و آگاهی درست محروم می سازند. آگاهی بیشتر و گسترده تر از جنبه های رویدادهای اعم از کوچک و بزرگ، کم دامنه یا گسترده، جزئی یا کلی در مجموعه خود به دستگاه رهبری سازمان کمک میکند که با هوشتاری و واقع بینی بیشتری تحولات و دگرگونیهای درونی جامعه را بررسی و دنبال کند و در زمینه فعالیت تبلیغی و سازمانی نتواند، سیاست سازمان را با دقیقیت بیشتری با واقعیت منطبق سازد.
- ۲- بازتاب این رویدادها که در بیوتندیا مشکلات و خواسته های مردم قرار دارند. در ارگانهای تبلیغاتی سازمان، به افکار رژیم ارتجاع کمک میکند، آگاهی سیاسی و اجتماعی توده ها را ارتقاء میدهد و اعتماد آنان را به کمونیست ها و سازمان ما افزایش میدهد. هر عضو و هوادار سازمان باید خود را یک خبرنگار و گزارشگر دائمی بدانند که همواره با ارسال اخبار سیاسی و اجتماعی به یاری ارگانهای مرکزی سازمان می تابد.
- ۳- برای رهبری سازمان نسه تهیه و دریافت اخبار و گزارشات مختلف سیاسی و اجتماعی اهمیت جدی دارد. بلکه دریافت اطلاعات دقیق و متنوع از تمامی سازمانهای حکومتی و همدینی و مبره های مهم و جاسوسان آن در سطوح مختلف از اهمیت و حساسیت بسیاری برخوردار است.

برای مقابله با ارگان های سرکوبگر رژیم و بویژه وزارت اطلاعات، سپاه و کمیته ها باید از تفصیل و انفعالات درونی آن آگاه بود. هر چه این آگاهی کاملتر و دقیقتر باشد، تحریک سازمان با قدرت بیشتری آن در مقابل با یورش های جنایتکارانه رژیم و نجات جان کارها و اعضاء سازمان افزایش می یابد. لذا باید شیوه های عمل و سبک کار، امکانات و اشکال فعالیت ارگانهای پلیسی رژیم و عوامل

### مقاومت کنیم

علیرغم همه فشارها و شرایط غیرانسانیزندان، زندانیان در برابر رژیم و مقاومت می کنند و سلاح عمده آنها در مقابل رژیم، اراده محکم آنهاست. زندگی در زندان زندگی جمعی است. در هر اتاقی که بطور نوبتی یک نفر مسئول انتخاب می شود که وظیفه خرید، تعیین کارگزاران، برای نظافت اتاق

و شرایط استفاده از گزارش خود را با توجه به میزان صحت گزارش، ضرورت اشکالی تمام یا بخشی از آن، حفظ موقعیت منبع گزارش و غیره دقیقاً قید کند. در استفاده عملی و تبلیغی گزارش یا مخفی نگه داشتن آن و غیره نظر گزارشگر مبناست. لذا باید با دقت به این مسئله توجه داشت.

### مشخصات کامل موضوع گزارش

در بسیاری از گزارشات اما می و مشخصات برخی ساختمان های مورد استفاده ساواک رژیم و خانه های امن، محل های ناشناخته، موسسات و انفرادی کارگران در دور رژیم که مشهورند و یا حتی شهرت چندانی ندارند و یا تنها در محدوده محلی شناخته شده اند بطور ناقص و نامکمل نوشته میشوند. مثلاً تنها به نام فامیلی فلان مرتجع، یا "فرمانده سپاه" و "مفسر حکومتی" و نظائر آنها اکتفا میشود. باید توجه کرد که چنین اشکالاتی در گزارش وجود نداشته باشد. در مقابل با توجه به اینکه گزارشات با وسایل کم اطمینان و ضربه پذیر ارسال میشوند باید کاملاً مشخص بود که نام مشخصات و هویت انقلابیون و کسانی که از منافع مردم دفاع میکنند نوشته شود.

### تعیین نوع و کانال ارسال گزارش

هرگز ارشگر باید تفاوت گزارشات سیاسی را با گزارشات اطلاعاتی بدستی تشخیص دهد و آنها را از یکدیگر تفکیک کند. روشن است که گزارش های اطلاعاتی از طریق وسایل کاملاً مطمئن باید ارسال شوند. اما گزارشات سیاسی و اجتماعی را می توان بطرق ساده تری ارسال نمود و در صورت زمین جاست که باید دقیق و هوشتاری بود تا راه هرگونه ضربه احتمالی رژیم بسته شود. فی المثل در گزارشات از یک حرکت اعتراضی کارگران در فلان کارخانه مشخص، گزارشگر باید آنگاه گزارشی از یک واقعه اجتماعی علنی ارسال میکند تقریباً تمام فعل و انفعالات درونی حرکت کارگران را با برشمردن گزارشات سیاسی و تمایلات سازمانی فعالین اعتصاب و غیره منعکس میکند. تنظیم چنین گزارشاتی فوق العاده خطرناک است. رعایت مسایل امنیتی در تنظیم گزارشات نباید بیرون ارگانهای رژیم نظیر ساواک، سپاه، کابینه، ارتش و غیره نیز فوق العاده جدی و حساس است. بهر حال در تهیه هر گزارش از کم اهمیت ترین تا بسیار اهمیت ترین آن، گزارشگر موظف است هوشتاری و دقت کافی بکار برد و تمامی ضوابط و مقررات امنیتی را مویب و رعایت کند.

### تفکیک اخبار و اطلاعات و اهمیت دادن به هر اطلاع کوچک

تفکیک و شناخت موضوعات مورد گزارش، از لحاظ کیفیت و جایگاه آنها و تشخیص و تشریح مسایل کلیدی هر موضوع مورد گزارش، یکی از مسایل بسیار اهمیت در تهیه و ارسال گزارش است. ولاتخصیص این نکته که این یا آن اطلاع از موسسات حکومتی و افراد کارگزار رژیم و غیره آیا می تواند برای رهبری سازمان سودمند باشد یا نه بسیار مهم است. هم اینک بسیاری از رفقاً اطلاعات بسیار ارزشمند حاکم و کارگزاران آن دارند که بدلیل عدم تشخیص نقش آن ها در تکمیل کردن مجموعه اطلاعات متمرکز رهبری سازمان، نزد خود نگه داشته اند. در این مورد نمونه ها و موارد متعددی وجود دارند.

باید بطور اصولی و بویژه در مورد مسایل اطلاعاتی و شناسایی اجزاء مختلف کار دشمن، هر اطلاع جزئی و ظاهراً بی ربط را به رهبری سازمان ارائه کرد. یقیناً هم اکنون اکثریت قریب با تفقا رفقاً (حتی رفقائی که مدت ها پیش شور و شکر کرده اند) دارای اطلاعات خرد و ریز، کم اهمیت و پرا اهمیت از حکومت و کارگزاران ریز در دست آن هستند که با توجه به توضیح فوق مطمئناً می توانند به میزان اطلاع و آگاهی رهبری سازمان از دشمن بیفزایند.

که در جنگ این جمهوری خود را در اختیار گرفته اند و حمایت کنند. اگر بیما رند، اگر غصه ای دارند یا اگر به چیزی احتیاج دارند به کمکشان می شتابند. این پشتیبانی و مراقبت از یکدیگر در مورد اکثریت زندانیان صادق است. رزمندگان اسیر تلاش دارند که وحدت عمل همه نیروهای مقاومت و در زندان را تأمین کنند و عمل به این کار موفق شده اند. رژیم شاه هم کشتار فراوان کرد و زندانیهای طویل المدت داد. اما بسیاری از آنها می که حبس ابد هم گرفته بودند، حتی ۱۰ سال هم در زندان نماندند. ما می هیچ تردیدی اعتقاد داریم که در راهی زندانیان جمهوری اسلامی نیز توسط مردم قهرمان می بینیم. ما مانده خواهیم شد و انقلابیون سراسر از موفقیت برای ساختن مینمیزان در کنار مردم بیخاسته قرار خواهند گرفت.



۶۹ سال از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر می گذرد. طی این سالها، آفریده انقلاب اکتبر، کشورشوراها را پیروز و فراز مند و آفرینش را پدید آورده است. راه پرفراز و نشیبی که از پیروزی قهرمانانه کارگران و سربازان پیشروگراد به کاخ زمستانی، تزارآغا زگردید، میدانهای نبرد خونین علیه ستمگران و مستبدین و ادرینوردید، مسوروش چپان دولت و زورگرارچی را پشت سر نهاده، دوران پررتج ولی خلاقانه سازندگی سوسیالیستی و بی ریزی زندگی نوین را طی نمود، ارتش جهنمی هیتلرا با نیروهای حماسه آفرین از پای آورد و با درو و محرومیت، دوران بازسازی خرابیهایی ناشی از جنگ را به پایان برد. اینک کشورشوراها در سختی و پدیده های پیروزمانند است.

پیشرفت سوسیالیسم از جمله عوامل عینی بازدارنده بودند. بعلوه شرایط ذهنی نیز در این روند موثر بودند. هما نگونه که در ویرایش جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است: حزب با پیا پیا مدهای ناشی از کیش شخصیت، انحراف ناشی از نقض موازین سنی لنینی رهبری حزبی و دولتی، اشتباهات با خلعت ذهنی گرای (سویژکتیویستی) و آرا داده گرایسی (ولونتاریستی) مواجه بوده است.

**اکتبر، چرخش بنیادین تاریخ**

دو ویرایش جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است که در سالهای دهه هفتاد اوایل سالهای هشتاد دیرخی گرایشهای نامسا عدم مشکلات عدیده مشاهده گردید، این نامسا بیجا در ارتباط با این امر بود که در گزینبهای اقتصادی و ضرورت تحولات بنیادی در همه عرصه های زندگی، به موقع و بطور شایسته ارزیابی نشد و بیکیری لازم در اجرای آنها بحمل نیامد.

با این نامسا بیجا و مشکلات در کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی که در سالهای دهه هفتاد اوایل سالهای هشتاد دیرخی گرایشهای نامسا عدم مشکلات عدیده مشاهده گردید، این نامسا بیجا در ارتباط با این امر بود که در گزینبهای اقتصادی و ضرورت تحولات بنیادی در همه عرصه های زندگی، به موقع و بطور شایسته ارزیابی نشد و بیکیری لازم در اجرای آنها بحمل نیامد.

در کنگره گفته شد که هدف عاجل حزب و همه مردم این است که از طعنه گریش های ناخوشایند بر رندا تصادی را به مسیرو دست هدایت کند. تحریرک لازم را به آن بازگرداند و به خلاقیت و ابتکار توده ها میدان داده و به تغییرات حقیقتا انقلابی دست یازد. عال مل اصلی تضمین موفقیت، خلاقیت زنده توده ها و جدا کثرو دستن از برتری های نظام سوسیالیستی است.

در ارتقا با ارتقا خلاقیت زنده توده ها، کنگره بر این نکته تاکید کرد که حزب با یدییوستکسه مواظبت کند که فعالیت شورا های نمایندگان خلق که با سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و حلقه عمده خودگردانی سوسیالیستی خلق است بهبود یابد. حزب باید به تکامل بخشد، اشکال نمایندگی خلیسقی اصول دموکراتیک نظام انتخابی شوروی، تأمین بحث و بررسوی از دوهما جنبه، کیفیت فردی و کارایی نامزدهای نمایندگی اهمیت بسیار قابل شود.

پیروزی انقلاب اکتبر در روند انقلابی جهان تا ثرات تعیین کننده ای به جای گذاشت. با تشکیل کشورشوراها، تنکسه گاه استعمار و نیرومندی برای بیکار خلق ما علیه استعمار و استعمار بوجود آمد. انقلاب اکتبر نیروی تازه ای به جنبش کمونیستی و کارگری بخشید و راه را برای کامیابی هر چه بیشتران باز کرد. اکتبر و مولود آن بنیاد مادی و معنوی عظیمی برای پیروزی خلق های تحت ستم در راه رهائی ملی و اجتماعی پدید آورد. با پیروزی انقلاب اکتبر شکاف عمیق در زنجیر بیهوشی جهان در سیمایه داری بوجود آمد و فروپاشی نظام استعماری آغاز گردید.

انقلاب اکتبر راه اشاعه اندیشه های سوسیالیستی و جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و تلمسبوری و تا کتیک انقلاب پرولتری را در سراسر جهان گشود. اکنون که ۶۹ سال از انقلاب اکتبر می گذرد، تجارب اتحاد شوروی و سایر کشورها ی سوسیالیستی بطور مقنی برتری های انکارنا پذیر جاسمه نوین را بر ما به یاد نشان داده است.

طی این مدت سیمای جامع اتحاد شوروی بکلی دگرگون شده است. اکنون همه وسایل تولید در دست مردم است. این امر شرایط مساعدی برای رشد پویا و برینا همه جزی شده جا همه بوجود آورده است. در کشور شوراها برخلاف کشورهای پیشرفته سرمایه داری پیشرفت علمی - فنی منجر به بیکاری میلیونها انسان نمی گردد. در اتحاد شوروی حقوق مساوی در برابر کار بر بر طبق اصل: "از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش" تضمین می شود. هسسر شهروند شوروی از تلمسب و تربیت و بهداشت رایگان برخوردار است و فقط با بابت حق مسکن اجاره بیهی نا چیزی می پردازد.

اتحاد کارگران، دهقانان و روشنفکران در اتحاد شوروی استحکام یافته است. زنان از حق مسوق برابر با مردان برخوردارند. نسل جوان با اطمینان به آینده می نگرند. بازنشستگان از آینسده خودوا همه ندارند و دولت تا مین اجتماعی انسان را تضمین می کند.

در عرصه جهانی اتحاد شوروی همراه با سایر کشورهای سوسیالیستی به تنکسه گاه بزرگ جنبش های انقلابی و دموکراتیک و در ا ستوار ملع روی زمین تبدیل شده است.

آچه در طی این سالها انجام گرفته است، گام های اولیه نظام کمونیستی است. طبیعی است که همه امکانات برای شکوفایی این نظام وجود نداشت. موانع جدی سدره این شکوفایی بودند. سطح نازل رشد نیروهای مولده در زمان قبل از انقلاب اکتبر، خرابیها و قربانیهای ناشی از جنگ جهانی اول، جنگ داخلی و جنگ جهانی دوم و تلاش مستمرا مبریا لیستها برای متوقف کردن

تا یکدیگر: " ساله کلیدی درسیاست حزبه تکامل و تقویت دولت سوسیالیستی شوروی و ارتقا هر چه بیشتر خلعت دموکراتیک آن بمشابه دولت عموم خلقی است " (متن جدید برنامه سوم). در برنا مسه گفته شد که حزب بدون تنزل مشی دموکراتیکیزه کردن دستگاه اداری را پیش خواهد برد و در روند طرح و اتخاذ تصمیم های مهم دولتی، عقاید گوناگون و پیشینیه دهای زحمتکشان را در نظر خواهد گرفت. با ید دستگاه اداری را ساده و کم هزینه ساخت. مثلا هر بیوروکراتیم، ظا هر پرسنی و مقام پرستی را با ید ریشه کن کرد و کارمندان بی صلاحیت را بیرون ریخت. حزب می کوشد که کمیونهای کنترل مردمی بیرون موثر عمل کنند.

در کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی نکته کلیدی و محور اصل بحث ها، شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی و اجتماعی بود. در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شد: " لیدر کلمه تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی کشور، کلید کلید مسایل موجود، مسایل دوروزدیگ اقتصادی و با اجتماعی، سیاسی و یا یدئولوژیکی، داخلی و یا خارجی می باشد. تنها زاین طریق می توان و با ید به وضع کیفیتا نوین جامعه نایل آمد " برای این منظور کنگره تصمیم گرفت که تساه آخروبن حاضر، میزان تولید و نیز در ادملسی دو ویرا برگردد، بازده کار ربین ۲/۳ تا ۲/۵ برابر افزایش یابد، مصرف انرژی به ازای هر یوسیل در ادملسی ۲۸/۴ درصد مصرف فلزات تقریبا ۵ درصد کاهش یابد. این امر طبعاً حاکی از چرخش سریع به سوی گسترش معنی تولید و بهبود کیفیت آن است. استراتژی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی عبارت خواهد بود از: پیشرفت علمی و فنی و تحول اساسی نیروهای مولد جامعه، بر پایه بازسازی کامل اقتصاد ملی و گریزی آخرین پیشرفت های علمی و فنی راه کما یی در مقدم ترین عرصه های علمی و فنی و نوسازی مکانیسم اقتصادی و نظام مدیریت.

حزب کمونیست اتحاد شوروی از کنگره ۲۷ سدرجهت اجرای برنامه های پیش بینی شده با تمام قوا کوشیده است. آثار و فاکت ها حاکی از آن است که پیشرفت های جدی در طی این مدت حاصل شده است. فعالیت های جدی برای تأمین استراتژی و تسریع بازسازی اقتصاد ملی به پیش رفته است. ولی با این وجود پیشبردا ده فکتنگره ۲۷ با مشکلات و مقاومت هایی نیز مواجه است.

اما حزب کمونیست اتحاد شوروی در اجرای برنامه های مصوب کنگره، با قاطعیت علیه موانع موجود می رزمند. حزب افراد بی صلاحیت و مقام پرست را کنار می گذارد، رشوه گیران و مختلسین را به مجازات می رساند، با در ادهای که مشروع ووا کلیمس میا زده می کنند، با اندیشه های کهنه و دکما تیک که مانع شکوفایی و سرسبزی ایده های نوین هستند بیکار و مولی را پیش می برد. حزب می کوشد که حیات معنوی و مادی جامعه تحرک جدیدی بخشد. و نقش خلق و سازنده توده ها را در روند بازسازی جامعه ارتقا بخشد.

امروز حزب کمونیست اتحاد شوروی مصمنا که در راه آرمانهای انقلاب کبیرا کتبر و در راه سازندگی کمونیستی و صلح گام بر می دارد. حزب با اطمینان به آینده می نگرند. زیرا آینده از آن سوسیالیسم است و سوسیالیسم جامعه ای است که بر درفش آن نوشته شده است: " همه چیز به نام انسان، همه چیز برای بهروزی انسان "

آدرس: Pfl. 10 1091 WIEN AUSTRIA

تاریخ: AUSTRIA - WIEN BAWAG HR. 029 10701 - 660 DR. GERTRAUD ARTNER

حساب بانکی:

**پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!**